

مفهوم شهروندی

سازمان بین المللی دانش‌آموختگان الازهر شریف

کانون رد بر ایدئولوژی افراطی

سلسله رد بر ایدئولوژی افراطی شماره (1)

مفهوم شهروندی

تنظیم

پروفسور دکتر عبد الفتاح عبدالغنی العواری

رئیس دانشکده اصول دین

دانشگاه الازهر - قاهره

اشراف و تقدیم

پروفسور دکتر محمد عبد الفضیل القوصی

عضو هیئت علمای ارشد - معاون رئیس سازمان

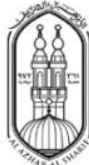
مترجم

محمد ذاکر محمد عیسی

ویراستاری

پروفسور دکتر علاء الدین عبد العزیز السباعی

پروفسور دکتر ابراهیم فکری سلیم



مستبة الأهر
مركز الأهر للترجمة

Al-Azhar Center for Translation (ACT)

اللغة الفارسية

نام کتاب به زبان عربی: مفهوم المواطنة

این کتاب از عربی به فارسی به نام: (مفهوم شهروندی) ترجمه شده است

Published by Al-Azhar Center for Translation (ACT)

☎ (+202) 23868005

🏠 Al-Azhar Conference Center (ACC) Building.

4 Ismail El-Qabbany St. off El-Tayaran St.,

Nasr City, Cairo, Arab Republic of Egypt.

✉ azharcenter4trans@gmail.com

تصویر روی جلد کتاب منظره مسجد جامع الازهر نقاشی شرق شناس فرانسوی بریس دافین.

(1807-1879) prise d'Avennes

چاپ (اول) 1438 هـ / 2017 م.

شماره کتابشناسی ملی: 2017/26958

ISBN:

©No parts of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted, in any form or by any means, electronic, mechanical, recording or otherwise, without the prior permission of the publishers.

این کتاب در کانون ترجمه الازهر ترجمه شده است

به نام خداوند بخشنده مهربان

تقریظ

به قلم پروفیسور دکتر/ محمد عبد الفضیل القوصی
عضو هیئت علمای ارشد در الازھر شریف

شیخ بزرگوار «محبی الدین بن عربی» در کتاب
(فتوحات مکی) اش که لبریز از ثروت و نمادگرایی
است ثابت می‌کند ذات مسلمان واقعی: امکان ندارد
طوری باشد که رشد وجدان درونی او از ارتقا، صعود
و افزایش باز ایستد، چون باید -در رابطه اش با جهان
هستی و پروردگار جهان هستی- "معراج روحی و
معنوی" داشته باشد با این معراج از حالت وجدانی
فرومایه به حالت دیگری که بیشتر ارتقا و تعالی
داشته باشد ارتقا نماید، در غیر این صورت حتما در

گرو رکود فکری و تحجر باقی می‌ماند، و با خواب عمیق و مرگ تدریجی همنشین می‌گردد!!.

و با این "معراج معنوی" برای ذات بشریت چشم اندازه‌های غیر متناهی (گشوده می‌شود و) گسترش می‌یابد، پس قلب همه کائنات -در برابر این ذات- با اکسیر زندگی می‌تپد، و برای آفریدگارش بدون زبان می‌سراید و بدون جسم سجده می‌کند، پس جهان هستی را با چشم زیبایی و محبت و با روح آرامش می‌بیند، و با این دیدگاه پیشانی (اختیار) همه جهانی هستی را با ابعاد مرئی و نامرئی آن مالک می‌گردد.

اگر این نگرش روشن و دقیق با سیمای اسلام یکجا و مخلوط شود در عصر کونی ما -این عصری که از فوق و تحت با ارزشهای ماده گرایی رنگ آمیزی شده است- حتما در کجی های روحی که تشنه حق و مشتاق امنیت و عدالت هستند تأثیر جادویی خواهد

نمود، و برای بسیاری از دردها و شکایات این عصر مرهم خواهد شد، و راهش را به سوی قلبها و عقلها خواهد گشود، و سیاهی شدید تاریکی را روشن خواهد نمود!!.

و اگر این نگرش شفاف و دقیق در زمانه ما با صورت اسلام مخلوط گردد: حتما مسلمانان را ملتی درمیابید که مهربانی آنها در اعماق سینه ها سکونت خواهد نمود و به طرز شایسته‌ای گذشت خواهند کرد و برای زنان داغدیده و دردهای بینوایان رنج خواهند برد، و مافوق کینه توزی‌های بدبینی قرار خواهند گرفت و بر سیاهی نفرت و بی ادبی و خشونت غلبه خواهند نمود، پس در بنی بشر در هر جا و مکان جز دل‌های که مملو از جمال حق‌اند نمی‌بینند، و شگوه و عظمت عدالت پابرجا می‌شود، و بدون اینکه خشونت کشنده‌ای صورت گیرد، و یا بدبینی زشتی عام شود، و بدون

اینکه خونی بریزد و یا قطعات بدنی دریده شود یا
سرهایی بریده شود همگان برای ارزشهای متعالی
مشتاق می‌گردند!!.

هرچند این نگرش شفاف و دقیق -که متأسفانه در آن
قریحه شاعری با حکمت خلط شده است- در عصر
کنونی ما از ضدیت بر ضدیت بلکه از نقیض بر
نقیض واژگون شده.. پس این نگرش در کجای این
تصور بدبختی قرار دارد که اصحاب آن فکر می‌کنند
«اسلام» با عمومیت و بزرگی و مهربانی‌اش در
«شهوۃ انحصار طلبی قدرت» منزوی شده و در
«پرش» بر بحران حکم فرمایی منحصر گردیده است،
پس «اسلام» -نزد این گروه از مردم- در زندان
«بازیهای سیاسی» و در گرو مانور ها و بازی‌ها
محبوس شده، و افقهای بلند و اهداف عالی آن برباد
گردیده است!؟.

این نگرش شفاف و دقیق در کجای ادبیات سیاه آنها قرار دارد که به مقتضای این ادبیات جهان قاطعانه به دو چادر نشین یا خیمه تقسیم گردیده است: «خیمه ایمان» که در آن جز خود این گروه کسی دیگری نمی‌تواند وارد شود، و «خیمه کفر جاهلی» که چاره‌ای جز نابود سازی و نجات از شرارت آن نیست، سپس اصحاب این ادبیات سیاه - به مقتضای بازی‌های سیاسی - در وطن بر تخریب، ویرانی، خون ریزی و کشتار می‌کوشند، پس از آنکه جوانان مغرور ملت را در کوره دشمنی و خصومت و جهنم داغ نفرت سقوط دادند، سپس آنها را در حالشان رها می‌کنند تا در تنور خشونت و جهنم ویرانی: برای تمایل به شهوت حاکمیت و اشتیاق بر کرسی قدرت و چشیدن مزه صندلی‌های سلطه بسوزند، تو گویی که - از روح و ارزشها و مبادی اسلام - جز «سلطه» که باید تصاحب گردد و

«حکم فرمایی» که باید به آن رسیده شود و «حاکمیت» که در راه آن ارواح انسانها بی ارزش شود و خونهای به ارزانی بریزد، چیز دیگری نمانده است!.

این نگرش شفاف و دقیق در کجای کار آنهایی قرار دارد که لباس «سلفیت» بر تن کردند و خود شان را وارثان آنها می‌دانند، سپس سلفیت را رو پوش جعلی برای طبیعت سنگ آسای شان و شدت و تک‌بینشی شان قرار دادند، حتی علاقه و توجه مسلمانان را غرق اشکال وارداتی و جلوه‌های خشک و خشن نمودند که دروازه -آبخوری- باز گردیده که -بعدها- ادعاهای تروریسم از هر سمت و سو برآن تکیه نمودند، و منظورم از آن چیزی است که در ادبیات رایج شان «جنگ با گروه ممتنع» می‌نامند، و نزدیک است این ادبیات اخگر شرارت پراکنده‌ای بوده باشد تا تمرکزگاه

عقیدتی شمار زیادی از گروه های خشونت‌گر قلبی و کنونی قرارگیرد.

این نگرش شفاف و دقیق در کجای این سازمانهای تروریستی قرار دارد که با نامهای نفرت انگیز شان در زمانه ما راه اندازی شدند و با دروغ و بهتان به نام اسلام و خلافت اسلامی شعار می‌دهند، سپس داعیه داران آن در پیش چشم جهان در روی زمین به کشتار، قطع اعضا، گردن زدن و سر بریدن می‌کوشند، بدون اینکه به آنها چشمی زده یا نگاهی انداخته شود یا قلبی بتپد، بلکه بدون اینکه بر ذات سنگ آسای آنان مقدار جرایم که در حق اسلام مرتکب شده‌اند مطرح و پیشکش گردد وقتی سیمای آن با سیمای خون ریزی، اجساد مردگان و گردن زنی‌ها و سر بریدن‌ها یکجا می‌شود، بلکه وقتی «اسلام» به اثر کارکرد بد آنها - به نظر بسیاری ها- به "بیماری همه گیری" تبدیل می‌شود

که کل جهان با آن گریبانگیر است؟ و از اسلامی که آنها ادعا دارند علم بردار آن هستند و می‌خواهند کلمه آن را بلند نمایند در خاطرات «کودکان جهان» چه «تصور ذهنی» باقی خواهد ماند؟

سپس آیا آنها و امثال شان متوجه نشده‌اند که در اینجا «جهاد معنوی» اسلامی نیز در جهت دیگری وجود دارد که باید انسانها آنرا از ناحیه روحی و عقلی و وجدانی به افق‌ها و چشم اندازه‌های بلند صعود دهند، این جهاد بشریت را تشویق و تحریک می‌کند تا برای فرزندان گرسنه و برهنه و بیمار شان: لقمه نانی، مقدار دارویی و آنچه که رزق و روزی و نیاز زندگی را برآورده می‌سازد را تهیه نماید، و بشریت را باعث می‌شود تا از خودخواهی فردی کشنده که به اثر تمدن مادی گرایی و منفعت جویی بار آمده است نجات یابند؟

شاید ما از خلال این سلسله علمی تلاش می‌کنیم تا حق را به جایش برگردانیم، پس آنچه از سوء ظن‌ها و اشتباهاتی که از سوی این مردم به اسلام برچسب زده شده است را رد نماییم، تا به جوانان حقیقت اسلام را نشان دهیم، و تا آنها بدانند که در راه رسیدن به خشنودی پروردگار شان و پیروی از پیامبر شان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم باید چه راهی را انتخاب نمایند.

از خداوند توفیق و پذیرش می‌خواهم، و او بهترین مسئول و بزرگترین امید بخش است.

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

مفهوم درست واژه شهروندی

شهروندی به این معنا است که انسان وطنش را دوست می‌دارد و از آن دفاع می‌کند.

شهروندی: به مفهوم تعامل میان انسان شهروند و وطنی می‌باشد که در آن زیست دارد و به آن منسوب است، و این مفهوم تقاضا می‌کند تا تعلق و وفاداری و محبتش تنها به وطنی بوده باشد که به آن منسوب است و از آن دفاع می‌کند.

و وطن‌دوستی انسان محبت غریزی است که همراه انسان دارای فطرت سلیم زاده می‌شود، و در حکم روایت شده گفته شده است: «محبت وطن از ایمان است»، و همچنین گفته شده است: «وقتی خواسته باشی وفاداری شخصی را بدانی پس ببین چقدر به وطن خود عشق می‌ورزد».

و همه شرایع آسمانی آمدند تا بر این مفهوم عالی شهروندی تأکید نمایند، و بر دوستداشتن وطن و تمسک به آن و دفاع از آن تشویق کنند، بلکه جهاد را برای دفاع از وطن واجب گردانده و کسی که در راه دفاع از وطن و سرزمین خود کشته می‌شود را شهید دانسته‌اند .

و قرآن کریم بر وطن دوستی انسان تأکید نموده بیان کرده که بیرون راندن از سرزمین معادل و برابر کشتن است که انسان را از شمار زندگان بیرون می‌راند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَنبِيْثًا﴾ «و اگر بر آنان مقرر می‌کردیم که خود را بکشید، یا از خانه و شهرتان بیرون روید، جز اندکی از آن‌ها عمل نمی‌کردند، و اگر اندرز های که به آنان

داده می‌شود انجام می‌دادند، برای آن‌ها بهتر و (برای ایمان‌شان) استوار تر بود» [النساء: 66].

و از جمله پیمان‌های که الله متعال از بنی اسرائیل گرفته، آنچه است که بر این مفهوم تأکید می‌کند - یعنی اینکه بیرون راندن از خانه و شهر و محروم و تبعید شدن از وطن معادل ریختن خون و خارج ساختن از زندگی است - خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (84) ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظْهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسْرَىٰ تَفْدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ «و (به یاد آورید) هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون‌های همدیگر را نریزید و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید سپس شما اقرار کردید، و شما (بر آن پیمان) گواهی می‌دهید (84) پس

از آن این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از سرزمین شان بیرون می‌کنید و علیه آن‌ها به گناه و ستم یکدیگر را کمک می‌کنید و اگر (بعضی از آنان به صورت) اسیران نزد شما آیند، فدیة می‌دهید (و آنان را آزاد می‌کنید) و حال اینکه بیرون کردن آنان بر شما حرام بود آیا به بخشی از (دستورات) کتاب (آسمانی) ایمان می‌آورید، و به بخشی کافر می‌شوید؟! پس جزای کسی از شما که چنین کند چیست، جز رسوایی و خواری در این جهان، و در روز قیامت به شدیدترین عذاب بر گردانیده می‌شوند، و الله از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست» [البقرة: 84-85].

و پیامبر بزرگوار ما حضرت محمد صلی الله علیه وسلم محبت وطن را وقتی به ما آموزش داد که به سوی یثرب (مدینه منوره) هجرت می‌کرد درحالی که با قدم او مدینه روشن و تابان شده بود، ولی با وجود آن

در این حین محبتش به مکه مکرمه را اعلان نمود؛ از عبد الله بن عدی بن حمراء رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم را درحالی دیدم که بر منطقه حزوره⁽¹⁾ ایستاده فرمود: «سوگند به الله! بی تردید تو (ای مکه) بهترین سرزمین خدا، و محبوبترین سرزمین خدا نسبت به الله هستی، و اگر (مشرکان) مرا بزور از تو خارج نمی‌کردند هیچگاه خارج نمی‌شدم».

و حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم به مکه گفت: «تو چقدر وطن زیبا و پاک هستی، و چقدر ترا دوست دارم (هیچ سرزمینی محبوبتر و پاکتر از تو نزد من وجود

(1) حزوره یکی از اماکن تاریخی مکه مکرمه است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام هجرت به سوی مدینه از آنجا گذشت، و بعد از توسعه مسجد حرام در آنجا مناره‌ای به نام «مناره حزوره» یا مناره باب الوداع که در رکن جنوب غربی مسجد حرام قرار دارد ساخته شد. (مترجم).

ندارد)، و اگر قوم من مرا از تو بیرون نمی‌کردند غیر از تو جای دیگری را برای سکونت انتخاب نمی‌کردم»⁽¹⁾.

و این رابطه میان انسان و میهن او که تمثیل‌گر تعلق او به این میهن، و دوست‌داشتن آن و دفاع او از آن می‌باشد، احساسی است که در همه زمان‌ها میان همه ملت‌ها وجود داشته است، پس در فرهنگ و ادبیات ملت‌ها و مجتمع‌ها، فضای وسیعی وجود دارد که از خلال آن این ملت‌ها و مجتمع‌ها محبت و عشق‌شان به سرزمین و میهن‌شان را بیان می‌کنند، و تعلق‌شان به سرزمینی را به نمایش می‌گذارند که در آن به وجود آمدند و در سایه آن تربیت و آموزش دیدند، و شمار زیادی از کارکردهای بارز ادبی، اخلاص مردم نسبت

(¹) این دو حدیث را ترمذی در جامع خود -در کتاب مناقب- باب فضیلت مکه با شماره های 3925، 3926 روایت کرده، و درباره آنها گفته است: حدیث حسن صحیح و غریب است.

به شهر و دیار شان و آمادگی‌شان برای مردن بخاطر دفاع از آزادی و کرامت سرزمین‌شان را توصیف و تمجید کرده است، و سرودها و شعارهای ملی کشورها بر یکپارچگی شهروندان برای دفاع از سرزمین شان در اوقات جنگ سهم اساسی گرفته است، و همیشه ملت‌ها برای تعمیق روحیه ملی با قدردانی از خاطرات و آرزوها و تقالید شان کار و تلاش می‌نمایند، و به دانش‌آموزان محبت سرزمین شان و قدردانی از قهرمانان و نمادهای ملی شان مانند پرچم وطن و زیارت‌گاه‌ها و یا بناهای یادبود تاریخی‌شان را آموزش می‌دهند⁽¹⁾.

و این گرایش از قدیم زمان نزد عرب‌ها موجود بود، و در اشعار شان که در وصف و محبت وطن سروده بودند آشکار است، و عرب‌ها در میان‌شان به وطن‌شان افتخار می‌کردند، از آن جمله:

(1) دانش‌نامه بین المللی عربی، ماده: الوطنية.

ابن رومی متوفی: 283 هجری به علت وطن دوستی
مردم اشاره نموده گفته است:

میهن را مردانی دوست دارند که هنگام جوانی
منافعشان را در آنجا سپری کردند

هرگاه میهن را یاد کردند برایشان زمانهای کودکی را
ذکر نمودم پس برای آن دلتنگ شدند

و عربها وقتی به سفر می‌رفتند مقداری از خاک
وطنشان را با خود می‌بردند تا بوی آنرا استشمام کنند
و هنگام نوشیدن آب مقداری از آنرا در آب آشامیدنی
خویش بریزند⁽¹⁾.

(¹) شرح نهج البلاغة (1 / 91).

شهروندی به معنای برابری میان همه شهروندان در حقوق‌شان می‌باشد:

شهروندی بر همه شهروندانی منطبق می‌گردد که بدون تفاوت در میان‌شان در یک وطن زندگی می‌کنند، و برابری میان آنها در حقوقی را تقاضا می‌کند که برخاسته از تعلق ملی آنها می‌باشد به این اعتبار که آن منبعی است که در ضمن آن حقوق بشری اندماج یافته است، و مورد تطبیق آیات قرآنی واقع می‌گردد که عدم تفاوت میان افراد را در میان یک ملت و یک وطن ثابت می‌سازد.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم نمونه مشارکت کامل و پیمان استوار میان افراد ملت را با گروهی تشبیه نموده که بر یک کشتی دو طبقه‌ای سوار هستند و گروهی که در طبقه پایینی کشتی قرار داشتند وقتی به آب نیاز می‌داشتند بر گروه طبقه بالا مرور می‌کردند، پس برخی آن‌ها گفتند: «اگر ما در نصیب خویش (طبقه

پایین کشتی) سوراخی ایجاد نماییم برادران طبقه بالای ما را اذیت نکرده ایم»، و پیامبر صلی الله علیه وسلم به تعقیب آن فرموده است: «پس اگر آنها را با آنچه که خواستند در حالشان بگذارند همگی هلاک می‌شوند، و اگر دست آنها را بگیرند و نگذارند چنین کاری را مرتکب شوند همگی نجات میابند»⁽¹⁾.

و بعد از آنکه پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه رسید قانون اساسی را وضع کرد که در آن رابطه میان برخی مسلمانان با برخی دیگرشان و رابطه میان مسلمانان با غیر مسلمانان را تنظیم و تشخیص نمود، و این قانون اساسی به نام سند مدینه مشهور است، و آفاق برابری در حقوق شهروندی به حدی رسیده بود که این معاهده پیامبر صلی الله علیه وسلم بر دولت اسلامی حکم می‌کرد تا نصاری را هنگام نیازمندی برای

(1) روایت امام بخاری در صحیحش - کتاب شرکت - باب: آیا در تقسیم و سهم بندی آن قرعه کشی صورت گیرد؟ (3/ 139) شماره (2493).

تأسیس و ترمیم عبادتگاه‌های‌شان کمک کند، چنانچه در پیمان‌نامه پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده است: «و اگر آنها برای ترمیم کلیساها و دیرهای‌شان، و یا چیز دیگری مرتبط به مصالح امور دین‌شان به کمک مسلمانان (هرگونه کمک و همکاری) نیاز داشتند، و می‌خواستند برای مرمت آن تقویت شوند، باید مسلمانان بر این امر آنان را همکاری کنند، و بدون اینکه این همکاری بر دوش نصاری قرض بوده باشد، بلکه این امر تقویت آنها در مصالح دین‌شان و وفا به عهد پیامبر صلی الله علیه وسلم و احسان الله و رسول الله بر آنها می‌باشد...».

حتی در مسایل مالی و اقتصادی مانند پرداختن خراج و مالیات؛ این پیمان‌نامه پیامبر صلی الله علیه وسلم برای نصاری چنین صراحت داده است: «نباید بر آنها ستم کرده شود، و نباید بیشتر از قدرت و توانایی‌شان برای کار در زمین و آبادانی و بهره‌برداری از آن

مكلف گردند، و نباید به ناروا و ستم مكلف شوند، و نباید خراج پردازان مانند شان بر آنها ستم نمایند...».

و همه حقوق برابری شهروندی را که اسلام برای غیر مسلمانان در دولت اسلامی مقرر داشته و حکم کرده است که «برای آنان آنچه است که برای مسلمانان می‌باشد و علیه شان همان چیزی می‌باشد که علیه مسلمانان است»، و از جان، خون، مال، آبرو، عبادتگاه‌ها و آزادی‌های‌شان دفاع نموده است همه آنها در برابر تعلق کامل آنها به وطن و وابستگی خالص‌شان به مجتمع و دولت ملت می‌باشد، این تعلق و وابستگی واجبی است که به دوش همه شهروندان گذاشته شده است برابر است مسلمانان باشند یا غیر مسلمانان، و برای تثبیت این التزامات پیمان‌نامه پیامبر صلی الله علیه وسلم تصریح نموده فرموده است: «علیه آنان شرایطی را مقرر داشته است که تمسک جستن و وفا کردن به آن در دین و پیمان‌شان بر آنها واجب

می‌باشد، از آن جمله: نباید هیچ‌یک آنها جاسوس دشمن و اهل حرب بوده باشند نه به شکل سری و پوشیده و نه به شکل علنی، و نباید در خانه و دیارشان دشمن مسلمانان را پناه دهند، و نباید هیچ کسی از اهل حرب را بر ضد مسلمانان توسط سلاح یا اسب یا افراد و یا غیره یاری و همکاری کنند، و نباید با آنها سازگاری کنند، در حالیکه این کارشان را از مسلمانان پوشیده نگه می‌دارند، و نباید دشمن را بر شرمگاه و اسرار مسلمانان آگاه بسازند...».

همچنین پیمان‌نامه پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آزادی عقیدتی نصاری حکم نموده است؛ طوری که در آن وارد است: «و نباید هیچ یکی از پیروان دیانت مسیحیت برای ورود به اسلام مجبور ساخته شوند، ﴿وَلَا تُجْبِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾» و با اهل

کتاب جز به روشی که آن بهتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند، و بگویند: به آنچه (از سوی الله) بر ما نازل شده و آنچه بر شما نازل شده، ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و معبود شما یکی است، و ما برای او تسلیم هستیم» [العنکبوت: 46] و باید برای‌شان بال فروتنی و مهربانی فرود آورده شود، و اذیت بدبختی در هرجا و مکانی که در سرزمین اسلامی باشند از آنها دور رانده شود...».

بلکه این برابری کامل در حقوق و التزامات شهروندی طوری است که باید برای آن‌ها آنچه بوده باشد که برای مسلمانان است، و علیه آنان چیزی باشد که علیه مسلمانان است، تا اینکه آنها در ماله و ما علیه مسلمانان شریک‌شان باشند «در این امر دولت اسلامی تنها به یهود و نصاری یعنی اهل کتاب بسنده نکرده بلکه حتی شامل حال پیروان ادیان وضعی مانند مجوسیت و غیره نزد می‌گردد.

وقتی غربی‌ها شهروندی و حقوق آنرا بر آوارها و مخروبه‌های دین معرفی می‌کنند، پس از آنکه سکولاریسم بر کلیسای غربی پیروز شد و شهروندی سکولار از آنجا نشأت کرد؛ ولی اسلام نظامی است که شهروندی را تأسیس کرده و شریعت آن حقوق آنرا ثابت نموده، و حمایت از این حقوق را تضمین کرده است، تا اینکه این حقوق نباید به مثابه‌ای «بخششی» باشد که یک حاکم بدهد و حاکم دیگری باز دارد»⁽¹⁾.

مبانی شهروندی:

براستی شهروندی واقعی دارای مبانی است که برای دست‌یافتن به فایده مورد نظر از آن باید این مبانی تحقق یابد، از آن جمله:

(1) مراجعه شود به: مجموعه الوثائق السياسية فی العهد النبوی والخلافة الراشدة: از دکتر/ محمد حمید الله، ص 75.

(1) پایبندی به اصول اخلاقی اسلام، و دوری جستن از بدی‌های اخلاقی، رعایت کردن حقوق و آداب بشر، ابتدا از حقوق پدر و مادر و خویشاوندان تا حقوق همسایگان و دوستان، و کاربرد درست و بهتر از حقوق و منافع عمومی، و تلاش جدی هر شهروند برای تأمین زندگی و جان و مال دیگران.

(2) وفا به وعده و احترام گذاشتن به منشورها: این امری است که قرآن کریم برآن تشویق نموده است، و بیان داشته است که این امر مقدم بر نصرت دین می‌باشد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ أَسْتَضْرُّوكُمْ فِي الدِّينِ فَاعْلَمُوا أَنَّهُمْ أَلَا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ «و اگر در (کار) دین از شما یاری خواستند، پس بر شماست که (آنها را) یاری کنید، مگر بر علیه گروهی که میان شما و آنها پیمانی است، و الله به آنچه می‌کنید؛ بیناست» [الأنفال: 72].

(3) رعایت عدالت میان شهروندان: این امر اساسی‌ترین اساس‌ها و استوارترین ارکان است، چون آشکار است که مبنای همه قواعد در برخورد با تمام مردم عدالت است، پس چشم‌پوشی کردن از آن تحت هیچ شرایطی درست نیست قطع نظر از حالات نفرت و دشمنی با دیگران، خداوند متعال فرموده است: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَدُوْا وَتَعَاوَنُوْا عَلٰى الْبِرِّ وَالتَّقْوٰى وَلَا تَعَاوَنُوْا عَلٰى الْاِثْمِ وَالْعُدُوْنِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ﴾ «و دشمنی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، نباید شما را به تعدی و تجاوز وادار کند و در راه نیکو کاری و پرهیزگاری با همدیگر همکاری کنید و (هرگز) در راه گناه و تجاوز همکاری نکنید، و از الله بترسید، بی‌گمان الله سخت کیفر است» [المائدة: 2].

و در آیت دیگری می‌فرماید: ﴿يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا كُوْنُوْا قَوْمِيْنَ لِلّٰهِ شُهَدَآءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰى اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ

اَللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿﴾ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای الله قیام کنید و به عدالت گواهی دهید، دشمنی با گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیکتر است و از الله بترسید، همانا الله به آنچه می‌کنید؛ آگاه است» [المائدة: 8].

(4) محبت‌داشتن‌تان نسبت به وطنی که در آن زندگی می‌کنید و نسبت به قومی که یکی از افراد آن هستید:

و برخی از مبانی شهروندی همچنین: محبت‌داشتن شما نسبت به وطنی است که در آن زندگی می‌کنید و نسبت به مردمی که یکی از افراد آن هستید، بدون تردید دوست‌داشتن الله و پیامبر و تعلق‌داشتن به آنها یکی از بزرگ‌ترین مقتضیات ایمان است، ولیکن لزوماً به این معنا نیست که دوست‌داشتن غیر شان را نفی و رد کند، چنانچه خود پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی از مکه به قصد هجرت به سوی مدینه منوره خارج شد

-پس از آنکه مکه محیطی گردیده بود که از پذیرش اسلام امتناع می‌ورزید و پیروان آن را آزار و اذیت می‌کرد- پیامبر صلی الله علیه وسلم درحالی که با آن خداحافظی می‌کرد و احساس دلتنگی همه اعضای بدنش را فرا گرفته بود فرمود: «اما سوگند به الله، اکنون که از تو بیرون می‌شوم، به یقین می‌دانم که تو محبوب‌ترین سرزمین الهی نسبت به من و عزیزترین آن به نزد الله متعال هستی، و اگر اهل تو مرا به زور از تو بیرون نمی‌کردند هیچگاه بیرون نمی‌شدم»⁽¹⁾.

و زمانیکه یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم در مدینه منوره به تب شدید مبتلا شدند حضرت بلال رضی الله عنه با صدای بلند چنین [بحر طویل] سرایید:

(1) روایت ابو یعلیٰ موصلی در اول مسند ابن عباس رضی الله عنهما (5/ 69) شاره (2662)، و گفته است: «رجال آن رجال صحیح هستند جز از محمود بن خدّاش و او ثقّه است». اهـ.

چه احساس خوبی خواهد بود اگر شبی را به وادی
(مکه) سپری کنم و در اطراف من گیاهان انذر و
جلیل⁽¹⁾ بوده باشد.

و آیا روزی خواهد رسد که به آب مجنه وارد شوم، و
آیا روزی می‌رسد که کوه‌های شامه و طفیل را دوباره
ببینم⁽²⁾.

و در این دو بیت حضرت بلال رضی الله عنه یاد و
خاطرات مکه را مرور می‌کند همان وطنی را که در
آنجا نشأت کرده و بزرگ شده است، و این دو بیت
آنچه از محبت و عاطفه‌ای را به تصویر می‌کشد که
حضرت بلال در قلبش با خود حمل می‌کند، علی‌رغم

(1) انذر گیاه خوش‌بوی با رنگ سبز و جلیل یا ثمام گیاه ریزی که
هیچگاه رشد نمی‌کند. (مترجم).

(2) روایت بخاری در صحیحش - کتاب بیماران - باب کسی که برای رفع
وبا و تب دعا کرده است (122/7)، شماره (5677).

اینکه این وطن را بخاطر الله و پیامبرش رها کرده است⁽¹⁾.

مقتضیات شهروندی خوب:

معرفت داشتن شهروند از اهمیت موقعیت جغرافیایی وطنش، و از اهمیت جایگاه، امکانات، تاریخ، شخصیت متمایز و سیاست خارجی آن که احترام مجتمع بین المللی را کسب کرده است، و همچنین شناخت او از ویژگی‌ها و برتری‌های محیطی که در آن زیست دارد، از جمله: رعایت عدالت، برابری، میانه‌روی، مهربانی، دوستی و همکاری بر نیکی و

(1) مراجعه شود به کتاب: مبانی شهروندی در قرآن و حدیث و سیرت پیامبر: از شیخ محمد زاهد نذیر احمد معاون رئیس دانشگاه اسلامی، فیض آباد پاکستان، و تحقیق نشر شده در کتاب تروریسم و خطر آن بر صلح جهانی، سلسله آکادمی تحقیقات اسلامی، ص: 131-133 با حذف و تصرف.

تقوا؛ تا اینکه این وطن مایه افتخار و غرور او بوده باشد.

کاشتن محبت وطن و توسعه دادن آن در روح و روان شهروندان تا اینکه بیشتر به وطن شان افتخار و غرور نمایند، و برای بلند بردن شأن و جایگاه آن تلاش ورزند، و برای دفاع از کرامت و خاک آن حماسه بیافرینند، و همینطور در عین حال افتخار تعلق به امت عربی و اسلامی و قناعت به اهمیت ارتباط با جهان خارجی نیز در روان آنها توسعه داده شود.

تحکیم بخشیدن ارزش‌های اسلامی و ارزش‌های خوب اجتماعی نزد شهروندان، مانند: همکاری، راست‌گویی، امانت‌داری و صبر و شکیبایی.

توضیح دادن مفهوم وطن‌دوستی از منظور اسلامی، و بیان مفهوم عزت ملی و آنچه که در این راستا بر شهروند فرض است.

شناخت شهروند از حقوق و التزامات او در ضمن
سایه آموزه‌های اسلامی.

تشویق شهروندان بر کار و تلاش برای بند کردن
پنجره‌های نفرت و خصومت و تفرقه‌گرایی میان افراد
مجتمع.

هشدار دادن شهروندان از برخی مفاهیم اشتباهی که
در بعض مجتمعات اسلامی شایع و منتشر شده و
در دشمنی با اسلام استخدام می‌شود، و آموزش دادن
شهروندان برای تفاوت قایل شدن میان واقعیت‌ها و
شایعات، و آموزش آنها برای مطمئن شدن درباره
درست بودن معلومات.

شناخت شهروند از وظایف و مسئولیت‌های
دستگاه‌های دولتی، و شناخت او از مسئولیت خودش
که در قبال پشتیبانی و همکاری با این دستگاه‌ها بر او
لازم است، و آگاهی او به آنچه از وظایفی که دولت

در بخش‌های مختلف بخاطر بلند بردن جایگاه وطن و شهروند انجام داده و انجام می‌دهد⁽¹⁾.

خداوند میهن‌ها و سرزمین‌های ما را از هر بدی و زشتی در حفظ و امان خود بدارد، و این کنفرانس شما را موفق بگرداند و به درگاه خویش بپذیرد.

رحمت خداوند و درود و سلامتی بر سرور ما حضرت محمد و بر آل و اصحاب او باد.

(¹) مراجعه شود به: مقتضیات حفاظت از نعمت امنیت و استقرار در سرزمین‌های ما (ص: 121 - 124).

فهرست موضوعات

تقریظ به قلم پروفیسور دکتر/ محمد عبد الفضیل القوصی	4
مفهوم درست واژه شهروندی.....	13
شهروندی به معنای برابری میان همه شهروندان در حقوق شان می باشد ..	21
مبانی شهروندی.....	27
مقتضیات شهروندی خوب	33